

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

سازمان زنان ۸ مارچ (ایران-افغانستان)

۱۳ مارچ ۲۰۱۸

پوزخندی بر حقارت زنان یا اعترافی حقیر به عجز حاکمیت!؟



روز پنجشنبه ۱۷ اسفند [حوت] ۱۳۹۶، همزمان با ۸ مارچ روز جهانی زن، جنگ چهل ساله جمهوری اسلامی علیه زنان وارد مرحله‌ای دیگر شد. در حالی که ۳۹ سال از سلطه حکومت اسلامی بر گرده زنان می‌گذرد، خیزش دی‌ماه [جدی] امسال و در پی آن حرکت جسورانه دختران خیابان انقلاب، چنان نسیم تازه‌ای به جامعه و جنبش دمید که

زنان در ایران پس از سال‌ها، فراخوان تجمعی خیابانی به مناسبت ۸ مارچ دادند. هرچند پیش‌تر، مبارزات دختران خیابان انقلاب، مقاومت روزمره زنان علیه حجاب اجباری را بسیار خلاقانه تبدیل به یک مبارزه تعرضی سیاسی و آگاهانه‌تر از قبل کرده بود، اما این فراخوان امید تازه‌ای در جنبش زنان آفرید؛ امید به مبارزه متشکل زنان، خارج از چتر سایر نیروهای اجتماعی؛ امید به مبارزه متشکل و سیاسی زنان برای طرح خواسته‌های پایه‌ی‌شان در جهت رفع ستم جنسیتی و امید به مبارزه‌ای هدفمندتر، ستراتیژیک‌تر و متشکل که می‌تواند نیروی زنان را در جهت سرنگونی انقلابی جمهوری اسلامی رها کند.

صبح روز پنجشنبه زنان و مردان دست‌دسته و تک‌به‌تک به محل تجمع رسیدند. دور از انتظار نبود که نیروهای سرکوبگر رسمی و لباس شخصی تدارک وسیعی دیده بودند و با برخوردی بسیار خشن در همان دقایق اول بسیاری از شرکت‌کنندگان را دستگیر کردند. ۵۹ زن و ۲۵ مرد به شکنجه‌گاه‌های جمهوری اسلامی منتقل شدند؛ اما همزمان و خانواده‌های‌شان دست برنداشتند و تجمع شبانه در مقابل بازداشتگاه ادامه یافت تا جایی که بسیاری از دستگیرشدگان آزاد شده‌اند؛ اما نه برای جنبش زنان و نه برای جمهوری اسلامی ماجرا به این بازداشت‌ها و ضرب و شتم‌ها و ... ختم نمی‌شود. جمهوری اسلامی بخوبی می‌داند که ریشه این تضاد در جنگ ۳۹ ساله جمهوری اسلامی علیه زنان نهفته است، در گره خوردن هویت جمهوری اسلامی به فرودستی زن و کنترل اسلامی بر بدن زن. به همین دلیل هم جناح‌های مختلف

حکومتی از بالا تا پائین از محافظه‌کار تا به اصطلاح اصلاح‌طلب سعی دارند نسخه‌ای فوری برای برخورد به این کوه آتشفشان پیدا کنند. اتفاقی نیست که مصادف با روز جهانی زن خامنه‌ای در پیروی از خلف خود -خمینی در سال ۵۷- تلاش می‌کند تا با تحقیر زنان و مبارزات‌شان، حاکمیت خود را تثبیت کند. او در جمع مداحان مدعی شد که «بی‌حجابی» چند «زن فریب‌خورده»، حاصل «تبلیغات پرحجم دشمنان و هزینه‌های سرسام‌آور آنان برای اثرگذاری منفی بر مسأله حجاب» است. این تلاش حقیرانه برای ندیدن مبارزه‌ای که در جریان بوده و هست، فقط تلاش مذبحانه‌ای است برای وارونه‌نمایی واقعیت و تأکیدی بر این واقعیت که حضور زنان در پهنه مبارزه سیاسی، جایگاه‌شان در مناسبات قدرت، زندگی و رهائی‌شان به بقای جمهوری اسلامی گره خورده است.

زنان اما این حمله مذبحانه و اعتراف حقیرانه را نیز بی‌پاسخ نگذاشتند. زنان و مردان مبارز با وجودی که می‌دانستند تدارک سرکوب آن‌ها چیده شده است بی‌واهمه در مقابل وزارت کار و در مقابل بازداشتگاه حاضر شدند، پرامید و همبسته، سرود خواندند و شعار دادند. دختران دانش‌آموز در پاسخ به سخنان خامنه‌ای حجاب از سر کشیدند و گفتند مبارزه با سلطه حق طبیعی ماست. زنانی که سال‌هاست از داشتن تشکلات خود محروم‌اند و از تحقیر نهفته در آپارتمان جنسیتی بیزاراند، یکبار دیگر و خلاقانه این دیوار حقیر را تبدیل به امکانی برای مبارزه سیاسی خود کردند. زنان در متروهای تهران و در واگن‌های «زنانه»، سرود رهائی خواندند، برای هم‌سرنوشتان خود سخنرانی کردند، بیانیه پخش کردند، تاریخچه روز زن و تاریخچه مبارزات علیه اجباری شدن حجاب را بازخوانی کردند و هم‌سرنوشتان خود را به مبارزه‌ای پیگیر دعوت کردند و ایستادگی شجاعانه آن‌ها را ستودند و با صدای بلند این سؤال را در مقابل جامعه گذاشتند: «اگر من نتوانم در مورد پوشش خود تصمیم بگیرم، دیگر در مورد چه موضوع مهم دیگری می‌توانم تصمیم بگیرم؟!». آن‌ها نشان دادند که خلاف ادعا و تلاش حاکمیت و اتاق‌های فکری درون و بیرون حاکمیت، حلقه‌های مبارزات مردم از هم گسیخته و بی‌ارتباط نیست. موج مبارزات مردم علیه جمهوری اسلامی، در عرصه‌های مختلف نه تنها در تقابل و رقابت با دیگر عرصه‌ها نیست بلکه این هم‌آوردی باعث هم‌افزایی درونی این جنبش‌هاست. همان‌طور که مبارزات دی‌ماه [جدی] سکونی برای پرش دختران خیابان انقلاب بود، مبارزات زنان علیه حجاب اجباری نیز زمینه‌ای برای مبارزه سیاسی، عمیق‌تر و متشکل زنان در سایر عرصه‌های ستم بر زنان باز خواهد کرد، افق جنبش مردم را بالاتر خواهد برد و حضور و مبارزه زنان در سایر جنبش‌ها برای سرنوشتی انقلابی جمهوری اسلامی را تقویت خواهد کرد. چون خلاف ادعای طیف وسیعی از جمله اصلاح‌طلبان درون و بیرون حکومتی برای زنان - و مردان هم‌زمشان - آزادی پوشش یا به تعبیر آن‌ها حق «انتخاب» حجاب، برای زنان صرفاً یک مطالبه نیست تا آن را در مقابل حاکمیت سر تا پا زن‌ستیز جمهوری اسلامی بگذارند و با چانه‌زنی طلب کنند، مبارزه علیه حجاب اجباری یک «نافرمانی مدنی»، یک مبارزه سلامت‌آمیز برای تصحیح قانون پوشش و یا عرف اجتماعی در چارچوب حاکمیت جمهوری اسلامی نیست، حجاب اسلامی زنان قلب دستگاه گردش خون ایدئولوژیک جمهوری اسلامی است که مرکز چهل سال جنگ جمهوری اسلامی علیه زنان و برای کنترل بدن آن‌ها بوده است؛ و زنان بدرستی آن را نشانه گرفته‌اند؛ و همین هدف‌گیری هوشمندانه خاطر کسانی را که خواهان حفظ وضعیت موجود، پریشان کرده است.

فراتر از آن، زنان روز ۸ مارچ امسال قاطعانه اعلام کردند که بدرستی می‌دانند مقابله آن‌ها با جمهوری اسلامی صرفاً به مبارزه علیه حجاب اجباری خلاصه نمی‌شود و برای تغییر واقعی در وضعیت زنان نیاز است حلقه کلیدی مبارزه با حجاب اجباری را به سایر حلقه‌های مبارزاتی زنان پیوند زد. سخنان وقیحانه و حقیرانه خامنه‌ای و تلاش دستگاه فکری جمهوری اسلامی و دوست‌دارانش نشان می‌دهد که پیام زنان دریافت شد؛ اما انکار این پیام کمکی به تغییر واقعیت نکرده و نخواهد کرد. زنان خشمگین‌اند، زنان معترض‌اند، زنان مصمم‌اند، زنان عصیان‌گراند، زنان مقاوم‌اند و زنان آگاه برای آگاهی

همسرنوشتان خود و برای رهائی زنان خواهند جنگید؛ زنان برای آزادی هم‌زمان‌شان - از معترضان دی‌ماه [جدی] گرفته تا دستگیرشدگان تجمع ۸ مارچ، از معلمان، دانشجویان، کارگران، دانش‌آموزان دربند گرفته تا معترضان به حجاب اجباری - در همبستگی با همسرنوشتان خود برای آزادی تمام زندانیان سیاسی خواهند جنگید تا درهای زندان را بشکنند و آزادی زندانیان سیاسی را نیز در عمل متحقق کنند! گفتیم و باز هم خواهیم گفت: زنان تکلیف جمهوری اسلامی را در خیابان تعیین خواهند کرد!

سازمان زنان هشت مارچ (ایران - افغانستان)

۹ مارچ ۲۰۱۸ - ۱۸ اسفند [حوت] ۱۳۹۶